

## بررسی و تبیین انگاره‌های حاکم بر سبک زندگی دینی در قرآن کریم

عزیزالله مولوی<sup>۱\*</sup>

### چکیده

ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی در شیوه‌های زندگی مُدرن رویارویی روشمندان و دانش‌بنیان را می‌طلبد. برگرفتن روش‌های غیرعلمی در ترویج سبک زندگی دینی از مهم‌ترین آسیب‌ها در این ساحت است؛ چراکه تفاوت‌های بنیادین در سبک زندگی افراد ریشه در انگاره‌های آنان دارد؛ انگاره‌ها را اصلی‌ترین منبع شکل‌گیری سبک زندگی می‌دانیم؛ مراد از انگاره، تصویر بیش و کم پایدار و البته تأثیرگذار از امور، در ذهن است. امروزه قدرت انگاره در رفتارسازی از اصول مسلّم علوم رفتاری است. تا جایی که انگاره درمانی یکی از مهم‌ترین روش‌های روان‌درمانی به شمار می‌رود. در نوشتار پیش رو با روش مطالعات توصیفی-تحلیلی به روش اسنادی در منابع قرآنی به جستجوی انگاره‌های حاکم بر سبک زندگی دینی پرداخته شد و در نهایت با انگاره‌های اثربخشی در ابعاد هستی‌شناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و نهایتاً معرفت‌شناختی مواجه شدیم و بر آن شدیم تا با قالب‌های استعاره‌ای و هنرمندانه طرح جدیدی در آموزش سبک زندگی دینی دراندازیم؛ دوگانه انگاری در وجود، شریف انگاری، مسافر انگاری، ابزار انگاری، امانت انگاری، غایتمند انگاری خلقت انسان و جهان، مسئول انگاری انسان، بازی انگاری زندگی دنیوی، غرور انگاری، متاع انگاری، پل انگاری، غایت انگاری، بازار انگاری جهان، برابر انگاری فرد با همه، لاشخوری انگاری غیبت و منحصر انگاری آرامش، مثبت انگاری رویدادها، هم‌پا انگاری تغذیه با معرفت و سعادت و... انگاره‌های قرآنی است که به صید پژوهشگر آمده است.

**کلید واژگان:** بررسی، انگاره، قرآن، سبک زندگی، دین.

۱- عضو هیأت علمی گروه فقه و حقوق دانشگاه شهرکرد

\* نویسنده مسئول: molavei@sku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

## مقدمه

از مهم‌ترین عوامل مؤثر و البته ناپیدا در انتخاب‌ها و اقدامات و همچنین هیجان‌ها، عواطف و نگرش‌های آدمی انگاره‌های اوست (قراملکی و ناسخیان، ۱۳۹۵: ۱۹). لذا با توجه به قدرت هنجارآفرینی انگاره‌ها، اندیشمندان تعلیم و تربیت نخستین گام در رفتارسازی را انگاره آفرینی می‌دانند. در این میان، قدرت اثربخشی انگاره‌های هنری در احساسات و باورها و رفتارها، قابل‌مقایسه با انگاره‌های ساده نیست. انگاره ساده، تنها بر پایه برجسته‌سازی، فربهی و تحویل‌نگری در وصفی از اوصاف شیء حاصل می‌آید؛ و انگاره هنری بر پایه آفرینش دلخواهانه شخص ایجاد می‌شود. انگاره هنری با تشبیه، مجاز، کنایه، استعاره و دیگر آرایه‌های هنری ضمانت ویژه‌ای در پایداری انگاره‌ها را موجب می‌شود. بر این اساس خداوند در قرآن برای جا انداختن آموزه‌ها و تثبیت در ضمیر انسان‌ها این قاعده را بکار بسته است؛ و در ترویج سبک زندگی مطلوب قرآن دست به انگاره آفرینی‌های هنرمندانه زده است. در نمونه‌های از انگاره آفرینی‌های قرآنی که در نگارش پیش رو بدان اشاره خواهیم داشت دلربایی این اصل قویم تربیتی را به نظاره خواهیم نشست. تعبیری نظیر (سراجاً منیراً) در وصف حضرت رسول (ص) بار عاطفی، عقلانی قابل‌توجهی را در نگاه مخاطب نسبت به پیامبر ایجاد می‌کند؛ و رابطه‌ای عمیق و احساسی را موجب می‌شود؛ (دوست خدا معرفی کردن میهمان) و (لاشخوری انگاری) غیبت کردن و (آیه انگاری پدیده‌های زیست‌محیطی) از دیگر انگاره‌ها است. در این اثر سعی شده با شمارش و دسته‌بندی این انگاره‌های صورت‌بندی جدیدی ارائه شود تا ضمن جذابیت به یادگیری مخاطب کمک شود و زمینه را برای آموزش سبک زندگی قرآنی فراهم آوریم.

## پیشینه پژوهش

مسئله سبک زندگی در آثار پژوهشگران عمری ده‌ساله دارد، از سال ۱۳۹۱ که مقام معظم رهبری در جمع جوانان خراسان شمالی مفهوم سبک زندگی را مطرح کردند این موضوع مورد تأمل اهل‌قلم قرار گرفت؛ در موضوع سبک از نگاه قرآن هم کتاب‌ها و مقالات متعددی با رویکردها و رهاوردهای گوناگون به چاپ رسیده است؛ لکن با رویکرد تمرکز بر انگاره‌های قرآنی که سهم قابل‌توجهی در تغییر رفتارها دارند اثر خاصی پدید نیامده است و اثر پیش رو اولین مورد در نوع خودش هست.

## واژه‌شناسی سبک زندگی

سبک زندگی از موضوعات نوظهور در مطالعات اجتماعی است. در سال ۱۹۲۹، آلفرد آدلر اصطلاح سبک زندگی را برای اشاره به شخصیت که در دوران کودکی شکل گرفته و در بزرگسالی نیز واکنش‌ها و رفتار او را کنترل می‌کند، به‌کار برده است (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۴). در تعریف مفهوم سبک زندگی، از سه رویکرد کلان جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و رویکرد دینی می‌توان بهره برد. در ادبیات جامعه‌شناختی دو مفهوم‌سازی از سبک زندگی وجود دارد؛ که یکی ناظر بر موقعیت اجتماعی افراد و دیگر به شکل اجتماعی صورت گرفته در فرهنگ جامعه اشاره دارد (ابازری، چاوشیان، ۶: ۱۳۸۱) و سبک زندگی را تعیین‌کننده مرزهای رفتاری می‌داند که فرصت‌های زندگی بستر آن را فراهم می‌آورند (مهدوی کنی، ۵۳: ۱۳۸۷) گیدنز در سبک زندگی معتقد است: سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای کم‌وییش جامع از عملکردها تعبیر کرد که فرد آن‌ها را بکار می‌گیرد. این عملکردها نه فقط نیازهای جاری را برآورده می‌کند، بلکه روایت خاصی را که برای هویت خویش برمی‌گزیند، در برابر دیگران مجسم می‌کند؛ سبک زندگی، مجموعه‌ای منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است (گیدنز، ۱۲۰: ۱۳۸۵) با رویکرد روان‌شناختی نیز سبک زندگی تجسم کامل کلیت و شخصیت است که با احساس‌های مختلف تجلی می‌کند (آدلر، ۷۵: ۱۳۷۳) و (صداقت، ۲۱: ۱۳۹۴) و (برزگر، ۳۰: ۱۳۸۸). ویلن سبک زندگی را الگوی رفتار جمعی که از جنس رسوم، عادات اجتماعی و روش‌های فکری هستند می‌داند. بوردیو نیز سبک زندگی را بیشترین توانایی برای ارائه ویژگی‌هایی که همه فعالیت‌ها را در خود خلاصه کرده می‌داند (کاویانی، ۳۹: ۱۳۹۴) همچنین در تعریف سبک زندگی گفته شده: سبک زندگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان‌دهنده‌ی کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه است (آجیلی و بیگی، ۸۸: ۱۳۹۲) اما از منظر اندیشمندان دینی سبک زندگی رفتارهای خاصی است که هر فرد برای زندگی خود برمی‌گزیند؛ و به رفتارهای فردی،

اجتماعی و بین‌المللی قابل اطلاق است. از این منظر سبک زندگی از مفاهیم خاص حیات بشر است که با توجه به تفاوت‌های آن اختلافاتی را برمی‌انگیزد (مصباح یزدی، ۶: ۱۳۹۲) بر مبنای آنچه گفته شد سبک زندگی دینی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: مجموعه‌ای از رفتارهای سامان‌یافته متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها که متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، صورت غالب رفتارهای یک فرد یا گروه شده است (شریفی، ۵۰: ۱۳۹۲) و (بهشتی، ۱۳۹۵: ۳۴) و (علیزاده و فتحی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۲۴) بر این مبنای سبک زندگی صرفاً مجموعه‌ای از رفتارهای الگومند نیست، بلکه پیوند عمیقی با لایه‌های زیرین یعنی اعتقادات، ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، منش‌ها و مهم‌تر از همه انگاره‌ها دارد. این اصل در بیان قرآنی با واژه شاکله مورد اشاره قرار گرفته است (قراملکی و ناسخیان، ۱۵۳: ۱۳۹۵) (فعال، ۵۶: ۱۳۹۷).

## واژه‌شناسی انگاره

انگاره را به دو صورت می‌توان تعریف کرد: تحلیل فرایندی و تحلیل مفهومی؛ گونه نخست می‌تواند به تعریف توصیفی از مؤلفه‌های انگاره بینجامد. پیش از تعریف انگاره بر پایه تحلیل فرآیند پیدایش آن در ذهن، به کاربرد این واژه اشاره می‌کنیم. کزازی واژه انگاره را در برابر مخیله، پندار و در برابر متوهمه گمان را می‌آورد (کزازی، ۱۳۸۷: ۱۷۳) اما در این نوشتار انگاره را در برابر مخیله (با ریخت اسم فاعل) یا حاصل قوه مخیله (با ریخت اسم مفعول) به کار می‌بریم انگاره یا image صورت ذهنی است؛ و اما تحلیل مفهومی انگاره: انگاره به بیان کوتاه، صورت خیالی دارای قدرت است. مراد از داشتن قدرت، مؤثر بودن آن است. انگاره در احساسات و عواطف، و داوری‌ها و باور، تفسیرها، رفتار ارتباطی، انتخاب و تصمیم، تأثیر دارد. انگاره وقتی در جامعه زبان می‌آید، نه لفظی برای توصیف و بیان یکی از اوصاف شیء بلکه همچون اسم بر امری دلالت می‌کند ریشه این دلالت، نام‌گذاری نیست بلکه آن حاصل فرایندی است که مهم‌ترین عنصر آن، جانشین‌سازی و به‌جای اسم نشستن صورت خیالی است. بر این پایه، انگاره را می‌توان روشن‌تر تعریف کرد: صورت خیالی از شیء که در فرآیند ذهنی مشخص همچون اسم، به‌جای آن شیء می‌نشیند و منشأ تأثیر و قدرت نسبت به آن می‌گردد. مؤلفه‌هایی که در این تعریف به‌کاررفته‌اند، نیازمند توضیح‌اند:

یک- صورت خیالی: صورت خیالی آن است که وارد ذهن می‌شود و در قوه خیال یا حافظه بایگانی می‌شود. این صورت‌ها در واقع بازتاب اشیاء خارجی یا معانی جزئی است که به نحو بیش و کم پایداری در ذهن نقش می‌بندد. بر این اساس صورت‌های خیالی در ابتدا، همان صورت‌های محسوس هستند که حواس انسان آن‌ها را دریافت کرده و در مخزنی به نام خیال (حافظه) ذخیره نموده است؛ با این تفاوت که صورت‌های محسوس وابسته به حضور شیء خارجی است اما صورت‌های خیالی پس از غیبت فیزیکی اشیاء خارجی در ذهن به‌طور نسبتاً پایداری باقی می‌مانند.

دو- نشستن به‌جای شیء همچون اسم: انگاره برحسب تحلیلی که ارائه می‌شود نه اسم شیء است و نه حدّ آن؛ اما همچون اسم و حدّ به‌جای شیء می‌نشیند. مطابق با یکی از کاربردهای لغوی انگاره نقش ناتمام شیء است؛ اما همچون حدّ به‌جای شیء می‌نشیند.

سه- قدرت: انگاره منشأ قدرت به معنای تأثیر در امری است. انگاره هر کسی از هر امری سبب اثری در همان فرد در خصوص آن امر می‌شود. این تأثیر شامل هیجان‌ات و عواطف شخص درباره آن امر، داوری، باورها و تفسیرهای وی از آن امر و نیز انتخاب، موضع‌گیری و تصمیم وی درباره آن امر و اقدام و شیوه‌های اقدام شخص درباره آن امر می‌شود (فرامرزی قراملکی، همان: ۴۰). بعد از تأملات معناشناختی انگاره به توضیح انگاره‌های قرآن حاکم بر سبک زندگی می‌پردازیم:

## ۱) انگاره‌های انسان‌شناختی

### ۱-۱) شریف انگاری انسان

تأثیرگذارترین انگاره‌ها در سبک زندگی آدمی تلقی‌های انسان‌شناختی اوست؛ (سبحانی، ۱۳۸۱: ۱۱-۳) و (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۲۴۳) در انگاره‌های قرآنی که تأثیر فراوانی در سبک زندگی آدمی دارد این است که در نگاه قرآنی انسان موجودی شریف و با کرامت و احترام است؛ خداوند در سوره اسراء می‌فرماید: وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا. دمیدن روح الهی در انسان: (حجر: ۲۹، صاد: ۷۱) مقام خلیفگی، شناخت خدا و قدرت بر

اطاعت فرمان او. خلق انسان به دست خداوند (صاد ۷۵) خاتم انبیا محمد (ص)، سلطه انسان بر تمام موجودات روی زمین (جاثیه: ۱۳) عقل و نطق، امر به سجده فرشتگان (اعراف: ۱۱ اسراء: ۶۱ و کهف: ۵۰ و طه: ۱۱۶ و بقره: ۳) احسن التقویم و حسن ظاهری انسان (تین: ۴) مقام خلیفه الهی (بقره: ۳۰) پذیرش امانت الهی (احزاب: ۷۲) تعلیم اسماء به انسان، از علل مقام شرافت و برگزیدگی انسان است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۲۱۶: ۱۳. مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۲: ۱۹۶ و طبرسی، ۳: ۱۳۷۷).

## ۲-۱) دوساحتی انگاری انسان

در انگاره‌های برگرفته از قرآن کریم که مبنای سبک زندگی است این است که: قرآن انسان را دارای دو ساحت روح و بدن می‌داند و تأکید دارد حقیقت و واقعیت انسان همان روح است، روحی که با بدن مادی همراه است. در هنگام مرگ روح و نفس آدمی از بدن ستانده می‌شود و در عالم برزخ به حیات خود ادامه می‌دهد، قرآن در آیاتی به دو ساحتی بودن انسان تأکید می‌کند. در آیه ۹ سوره سجده که می‌فرماید: ثم سواه و نفخ فيه من روحه؛ همچنین آیات ۲۸ و ۲۹ سوره حجر می‌فرماید: "و یاد کن هنگامی را که پروردگارت تو به فرشتگان گفت؛ من بشری را از گلی خشک، از گلی سیاه و بد بو خواهم آفرید. پس و قتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده در افتید". "تسویه" در این آیه به معنای خلقت اعضای بدن است که به صورت اعتدال و دور از افراط و تفریط آفریده شود. در لغت عرب، برای شخصی که از نظر صورت در حد اعتدال قرار گیرد، از ماده "سوی" استفاده می‌کنند. بنابراین مقصود از "سوی" در این آیات تکمیل خلقت جسمانی و پردازش آفرینش ظاهری انسان است. پس از آفرینش بدن که در حد اعتدال است، خدا روحی در آن بدن می‌دمد؛ اما قرآن موضوع دیگری را نیز پیش می‌کشد و آن اینکه حقیقت و واقعیت انسان، همان روح او است، روحی که با بدن مادی همراه است. در هنگام مرگ روح و نفس آدمی از بدن ستانده می‌شود و همچنین بعد از مرگ با اینکه پس از مدتی بدن مادی متلاشی می‌شود روح باقی است و در عالم برزخ به حیات خود ادامه می‌دهد. قرآن در این باره در آیه ۴۲ سوره زمر می‌فرماید: الله يتوفى الانفس حين موتها؛ همچنین آیه ۱۱ سوره سجده که می‌فرماید: قل يتوفاكم ملك الموت الذی و کل بکم ثم الی ربکم ترجعون؛ کلمه "توفی" در این آیات به معنای اخذ و گرفتن است (ابن فارس، ۶: ۱۲۹). از این بیان معلوم می‌گردد که حقیقت انسان همان است که قابض الارواح می‌ستاند و آدمی، واقعیتی جز آن ندارد. اگر روح نیمی از انسانیت و شخصیت انسان را تشکیل می‌داد باید قرآن کریم به جای "یتوفاکم" می‌فرمود "یتوفی بعضکم". پس حقیقت انسان جز آنچه فرشته مرگ می‌گیرد نیست و پس از اخذ روح، چیزی از حقیقت انسان در زمین باقی نمی‌ماند. آیاتی که درباره شهدا سخن می‌گویند (آل عمران: ۱۶۹) به صراحت بیان می‌دارند شهدا زنده‌اند و نزد پروردگار خویش از نعمت الهی بهره می‌برند، حال آنکه جسم مادی آنان متلاشی شده است. بنابراین حقیقتی که حیات انسان وابسته به آن است، همان روح او است که پس از مرگ باقی است (جمعی از پژوهشگران، ۶۰: ۱۳۹۲).

## ۳-۱) امانت‌دار انگاری انسان

عرضه امانت الهی بر انسان از سوی خدا و پذیرش آن به وسیله او از حقایقی است که در قرآن به آن اشاره شده است: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ... وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا؛ مطابق این آیه شریفه انگاره امانت‌دار انگاری انسان شکل می‌گیرد. در انسان‌شناسی و جهان‌بینی توحیدی، همه عالم امانت الهی است. در قرآن کریم بارها بر این امر تأکید شده است که لله ما فی السموات والارض یا لله ماک السموات والارض وما بینهما ولتا آنچه در عالم هستی خلق شده است، همه متلق به ذات خداوند است و اگر چیزی در اختیار ما قرار می‌گیرد امانت الهی است (دیلمی: ۱۴۱۲، ۱۵: ۱). از طرف دیگر مالکیت خداوند بر عالم، مالکیت حقیقی است و نه اعتباری، مالکیت او بر تمام شئون مخلوقات است و علی الاطلاق و بدون شرط است. از این رو هیچ شأنی از هیچ مخلوقی نیست که تحت مالکیت الهی نباشد ولتا همه عالم واز جمله انسان و هر آنچه در اختیار اوست، همه ملک خداوند متعالند. با این دید ژرف‌نگر که در جهان‌بینی توحیدی وجود دارد، خود انسان و هر آنچه در اختیار انسان قرار می‌گیرد امانت به حساب می‌آید. همه از خداست که به صورت امانت در اختیار انسان قرار می‌گیرد ولتا وجود من، استعدادهای من، دیگر انسان‌ها، عالم طبیعت و... امانت الهی در دست ما به حساب می‌آید واز این رو هر نوع صرف در خودمان، دیگران و عالم طبیعت باید به اذن ورضایت مالک حقیقی آن باشد که دین، بیانگر چهارچوب اذن الهی است (قراملکی، ۲۱۷:

(۱۳۹۴). در فرهنگ قرآن کریم، امانت دامنه گسترده‌ای دارد. بر اساس همین دامنه گسترده امانت‌داری است که در بعضی آیات (بقره، ۱۸۷). معصیت الهی به عنوان خیانت شمرده می‌شود. روایات معصومین (علیهم السلام) نیز به گستردگی دامنه امانت‌داری توجه می‌دهند و موارد مختلفی را به عنوان امانت در دست انسان به حساب می‌آورند. گروهی از امانت‌ها در قبال رابطه انسان با خداوند بر عهده انسان گذاشته شده است مثل رعایت اوامر الهی که جزء امانت‌های الهی به حساب می‌آید و گروه دیگری از امانات در قبال رسول اکرم (ص) و پیغمبر او (علیهم السلام) بر عهده انسان هست لذا در قرآن می‌فرماید: یا ایها الدین امنوا لا تخونوا الله والرسول...؛ (انفال: ۲۷) (قراملکی، همان: ۲۲۴).

#### ۴-۱) غایت‌مند انگاری انسان

مراد از غایت، هدفمندی و حرکت هر موجودی، اعم از بی شعور یا ذی شعور، به سوی جهتی مشخص است. در انگاره‌های برخاسته از قرآن نظام خلقت یک نظام غایی است و در آن موجودی، سرگردان و بدون غایت و هدفی خاص وجود ندارد (زمر: ۵ و احقاف ۳) (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ۴: ۲۹). بلکه هر موجودی در جهتی، به نقطه‌ای مشخص (غایت) می‌رسد. جهان خلقت تماماً بر اساس غایت واقعی خلق شده است (حج: ۶۲ حجر ۸۵، ذاریات: ۵۸). نظام غایی از یک سلسله غایات طولی تشکیل شده است که انسان سرسلسله آنهاست. در بین انسان‌ها نیز انسان‌های برتر، غایت و غرض اصلی از خلقت آسمان‌ها و زمینند. برترین آن‌ها هم از آنجا که ممکن‌الوجود است، غایت و غرضی دارد و آن ایصال به مطلق وجود و واجب‌الوجود است. در انگاره‌های قرآنی سعادت حقیقی و مطلوب نهائی انسان رسیدن به قرب الهی است (رجبی، ۱۳۸۰: ۲۰۹-۲۰۱. هاشمی گلپایگانی ۵۸: ۱۳۸۸. مصباح یزدی، ۱۷۵: ۱۳۹۲. مطهری، ۴۶: ۱۳۵۸. مصطفوی، ۱۴۳۰، ۱۴۷: ۹).

#### ۴-۱) مسافر انگاری انسان

از منظر قرآن انسان از ابتدای آفرینش تا برپایی قیامت پیوسته در سفر است؛ از نظر قرآن تا به مقصد و مقصود خودش برسد که همان رسیدن به آخرت است. مقصد انسان از این مسافرت ناخواسته، رسیدن به خدا در آخرت و مقصود، لقاءالله و متأله شدن است. این «مسافر هستی»، ناخواسته و بر اساس قوانین تکوین و سنت‌های حاکم بر آن، هرگز از حرکت و سفر باز نمی‌ایستد؛ زیرا جوهر ذات او به گونه‌ای آفریده شده که همراه در حرکت باشد. در این حرکت و سفر که از «اویی» آغاز و به سوی «اویی» ادامه دارد، جوهر ذات انسان، همراه در حالت «صیوروت» و شدن است؛ که البته گاه همراه با «انقلاب»، جهش و دگرگونی عظیم مواجه است. خداوند در آیات بسیاری با واژگان و اصطلاحات خاص بر آن است تا به انسان گوشزد کند که انسان ساکن دنیا نیست، بلکه مسافر راهی است که همراه در راه است تا به مقصد و مقصودی برسد که اصلاً در دنیا تحقق نمی‌افتد، بلکه پس از عالم برزخ در آخرت به این مقصد و مقصود می‌رسد و جوار قدس الهی آرام می‌گیرد و سکونت می‌یابد و از مسافر بازمی‌ایستد (فیض کاشانی، بی تا: ۳۹) برخی از اهل معرفت این مرتبه از سیر آفاقی را که عبارت از گذر و انتقال از عالم ماده و طبیعت به عالم ملکوت و تجرد است در مورد اصل وجود امکانی مطرح نموده‌اند (مدرس زنوزی، ۱۰۳: ۱۳۷۶) غایت این مرتبه از سیر استکمالی صعودی با استناد به آیاتی چون آیه ۵۳ سوره شوری... أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ؛ و انا لله و انا الیه راجعون (بقره ۱۵۶) خداوند است (غزالی طوسی، ابوحامد ۱۳۷۴: ۴۵۶ و جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۷۴۹).

#### ۴-۱) بیکران انگاری انسان

از دیگر انگاره‌های زندگی ساز و هویت آفرین قرآنی کران‌ناپذیری قدرت و حیات آدمی است؛ انسان از منظر قرآن به حکم مقام خلیفگی خداوند (بقره: ۳۳-۳۰) هم واجد توانائی‌های بی‌نهایت است، هم می‌تواند دارای کمالات حد‌ناپذیر شود. بر وفق این انگاره‌ها از انسان ناتوانی و نادانی، ناامیدی، عجز از مفاهیم بی‌معنا در قاموس انسان‌شناسی قرآنی است. بیان زیبای امام علی (ع) که می‌فرماید: وَ تَحَسَّبُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَ فَيْكُ إِنِّطَوَى الْعَالَمِ الْأَكْبَرُ (دیوان امام علی، ۱۳۸۳، ۱۷۵: ۱) ناظر بر این انگاره انسان‌شناختی قرآنی است.

## ۷-۱) نامیرا انگاری انسان و موجود انگاری مرگ

از دیگر انگاره‌های مسلم قرآنی در باب فرجام شناسی نفس آدمی، نامیرائی است. از غرر انگاره‌های قرآنی که در مواضع متعددی مورد اشاره قرار گرفته است خلود آدمی است. بر این مبنا مرگ چیزی جز انتقال و هجرت از مرحله‌ای آدنی به اعلی نیست (انبیاء/۳۵، عنکبوت/۵۷، آل عمران/۱۸۵)، (مکارم، ۱۴۲۱، ۴۷۳: ۱۸) تحلیل ماهیت گستره و متعلق و فرایند موت مسائل مهمی هستند که اندیشمندان دینی نسبت به آن‌ها توجه نشان داده‌اند. استعمال واژه خلق در باب مرگ در سوره ملک (الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ) اثبات می‌کند که ماهیت آن امری وجودی است نه عدمی (الوسی، ۱۴۱۵، ۱۵: ۶) دیگر مفسران قرآنی اعم از شیعه و سنی نیز موت را عرضی از اعراض دانسته‌اند (فخررازی، ۱۴۲۰، ۵۸۰: ۳۰) (طباطبائی، ۱۴۱۷، ۳۴۹: ۱۹) (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ۴۷۳: ۱۸) (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴، ۴۶۶: ۵).

## ۸-۱) عبد انگاری آدمی

از دیگر انگاره‌های قرآنی مؤثر در سبک زندگی آدمی به‌ویژه در کیفیت‌بخشی به ارتباط‌های درون شخصی و ارتباطات قدسی او (قراملکی و مشایخی پور، ۳۱: ۱۳۹۷) عبد انگاری آدمی است. انسان با همه موهبت‌های تکوینی واجد مقام عبودیت است؛ این انگاره بیش از سایر انگاره‌ها متمایزکننده سبک زندگی مبتنی بر نظام فکری لیبرالیسم و اومانیزم از سبک زندگی دینی و قرآنی است. «عبد» از نظر لغت به انسانی گفته می‌شود که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد؛ اراده‌اش تابع اراده‌ی او و خواستش تابع خواست اوست؛ در برابر او خود را مالک چیزی نمی‌داند (حموی، ذیل واژه عبد. ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۷۱: ۳). در انگاره‌های قرآنی انسان‌ها بنده‌اند و خداوند سرور آنهاست (مریم: ۹۳، بقره: ۲۰۷، نحل: ۷۵، فرقان: ۱۷، ص: ۷۲، زمر ۵۳ و...). در جهان امروز ممکن است این استعاره‌ی قرآنی استبدادی و محدود کننده به نظر آید. با این حال، مفسران قرآنی استعاره مولا و عبد را منبعی فیاض در توصیف ارتباط مؤمن با خدا یافتند (غزالی، ۱۳۹۳، ۱: ۱۱)؛ و بندگی خدا گوهر گران‌بهایی می‌دانند که باطن آن آزادی است (خمینی، ۲۵۶: ۱۳۸۸)؛ و تمام مقام‌های معنوی انسان در گرو تحقق عبودیت است (همان: ۸۹). فخر فروشی، تکاثر، جدال و روتش کردن با مردم و بسیاری از آفات و رذایل اخلاقی در حیات فردی، اجتماعی و سازمانی با این انگاره قرآنی قابل درمان است.

## ۲) انگاره‌های جامعه‌شناختی

### ۱-۲) همه انگاری یک انسان

از دیگر انگاره‌های قرآنی که در سبک زندگی دینی در ابعاد اجتماعی و تربیتی دارای آثار و برکات فراوان است. این است که: مطابق انگاره‌های قرآنی انسان دارای احترام ذاتی نامشروط است؛ و احترام به انسان از مهم‌ترین اصول اخلاقی در سبک زندگی دینی است. احترام به یک انسان به‌مثابه احترام به همه انسان‌هاست. چراکه جان محترم یک انسان به‌مثابه جان‌های همه عالمیان است؛ در سوره مائده آیه ۳۲ آمده است: *مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ*؛ جامعه انسانی در حقیقت یک واحد بیش نیست و افراد آن همانند اعضای یک پیکرند، هر لطمه‌ای به عضوی از اعضای این پیکر برسد اثر آن کم‌وبیش در سایر اعضا آشکار می‌گردد زیرا یک جامعه بزرگ از افراد تشکیل شده و فقدان یک فرد خواه ناخواه ضربه‌ای به همه جامعه بزرگ انسانی است. فقدان او سبب می‌شود که به تناسب شعاع تأثیر وجودش در اجتماع، محلی خالی بماند و زبانی از این رهگذر دامن همه را بگیرد (مکارم شیرازی، همان، ج ۴: ۳۵۷).

### ۲-۲) لاشخوری انگاری غیبت کردن

از انگاره‌های تأمل‌برانگیز قرآنی در خصوص روابط بین شخصی، مردارخوار انگاری غیبت کردن است؛ غیبت کردن به معنای یعنی چیزی نسبت به شخصی ذکر کنی که اگر به گوش او برسد او را ناخوش آید و به آن راضی نباشد، خواه آن نقص، در بدن او باشد، یا در نسب او، یا در صفات و افعال و اقوال او و یا در چیزی باشد که متعلق به او باشد. هم‌چنین غیبت کردن منحصر به

زبان نیست، بلکه هر نوعی که نقصی از غیر را بفهماند غیبت است، خواه به قول باشد، یا فعل، یا اشاره، یا ایما، یا رمز، یا نوشتن (فیض کاشانی، بی تا، ۲۵۵: ۵) در قرآن کریم، غیبت کردن به منزله خوردن گوشت برادر مرده دانسته شده است و خدای متعال در سوره حجرات می فرماید: «وَلَا يَعْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» در مورد تمثیل غیبت کردن به خوردن گوشت برادر مرده چند دلیل عنوان شده است. از جمله اینکه انسان مرده، جان ندارد تا بتواند از خودش دفاع کند و کسی که از او غیبت می شود، خودش حضور ندارد تا امکان دفاع کردن از خود را داشته باشد... (مکارم شیرازی، همان، ۱۹۴: ۲۲).

### ۲-۳) مسئول انگاری آدمی

از دیگر انگاره های قرآنی مؤثر در سبک زندگی آدمی به ویژه در کیفیت بخشی به ارتباط های بین شخصی و برون شخصی (قراملکی و مشایخی پور، ۳۱: ۱۳۹۷). مسئول انگاری آدمی است. انسان به حکم موهبت های تکوینی واجد مسئولیت های ذاتی در قبال خود و دیگران است. در آیات متعددی قرآن کریم این نگاه را مورد توجه قرار داده است. وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ در سوره صافات و ثُمَّ لَتَسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ در سوره تکوین از این موارد است. روایتهائی از پیامبر (ص): كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ (دیلمی، ۱۳۷۶، ۴۷۹: ۱) و امام علی (ع): اِتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ، أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوهُ. (نهج البلاغه، خ ۱۶۷) ناظر بر این انگاره هاست. این انگاره بی تفاوتی نسبت به دیگران اعم از فرد و شیء را از آدمی دور می کند و ما را به کنش فعال حمایتگران و دغدغه مندان در قبال همه چیز و همه کس وامی دارد. مبتنی بر این انگاره ((به من چه؟)) در سبک زندگی در مواضع متعددی موضوعیت ندارد.

### ۳) انگاره های جهان شناختی

سبک زندگی هر فرد و جامعه تأثیر از نوع باورها (جهان بینی) و ارزش های حاکم بر آن فرد و جامعه است. مشخص است که جهان بینی مادی و ارزش های لذت گرایانه طبیعتاً سبک زندگی خاصی را پدید می آورند. همان طور که جهان بینی الهی و ارزش های کمالگرایانه و سعادت محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می دهند (شریفی، ۳۴: ۱۳۹۱). از مهم ترین انگاره های جهان شناسانه قرآنی می توان به موارد ذیل اشارت داشت:

#### ۱-۳) بازی انگاری زندگی دنیوی

این انگاره قرآنی که در سوره مبارکه حدید آیه ۲ به صراحت بدان اشاره شده است: اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وِزْيَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَعْرِفَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (و عنكبوت: ۶۴، انعام: ۳۲، محمد: ۳۲) در قرآن به طور کلی زندگی دنیا را لهو و لعب می داند. لهو آن چیزی است که انسان بدان خوش بگذراند ولی او را امور مهم و اساسی باز دارد (جرجانی، ۱۹۴: ۱۴۰۸) (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۸۷) (راغب، ۷۴۸: ۱۴۱۶) (الطریحی، ج ۱۴۷: ۴). لعب: کار بی فایده کودکان که به تبع آن رنج و خستگی بوجود آید (جرجانی، همان: ۱۹۲) (راغب، همان: ۷۴۱) در مجموع از این آیات برداشت می شود آن است که انسان توجه داشته باشد تا تمام همت و تلاش خویش را صرف دنیا و جمع آوری مال و ثروت و زندگی دنیایی نکند و از آخرت غافل نشود، تمام دنیا با همه نعمت ها و زیبایی هایش در برابر آخرت مانند نوعی بازی و سرگرمی است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۲۱۸: ۱۰) (طباطبائی، محمد حسین، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۱۴۹) (آذرنوش، ۶۱۹: ۱۳۸۱). بیان این تعبیر، هشدار به کسانی است که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده و از آخرت غافل شده اند: أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ (بقره: ۸۶) إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (یونس: ۷) الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ يُصَدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ... (ابراهیم ۳) قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ (نساء: ۷۷) با توجه به این نکته دنیا در مقایسه با زندگانی جاوید آخرت مانند یک لهو و لعب ارزیابی می شود، یعنی موجب می انسان از امر مهمتری باز ماند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸۱۲: ۱۰ و طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۳۳۶: ۱۴ و مصباح یزدی، ۱۶۴: ۱۳۸۴).

### ۳-۲) مزرعه انگاری دنیا

از دیگر انگاره‌های قرآنی در باب جهان که در آیات الهی بدان اشاره شده این است که باید از دنیا در جهت آخرت بهره برد. این رابطه را قرآن کریم در آیات بسیاری بیان فرموده است و آن را بین اعمال اختیاری و سعادت و شقاوت آخرت می‌داند. اگر انسان در دنیا اهل ایمان و عمل صالح باشد، در آخرت سعادت مند خواهد بود. نمونه آیات در این زمینه عبارت‌اند از: بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ \* وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ (بقره: ۸۱ و ۸۲) یا در جای دیگری می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا \* وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ؛ (نساء: ۵۶ و ۵۷). إِنَّ تَجَنَّبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلِكُمْ مَدْخَلَآ كَرِيمًا؛ (نساء: ۳۱) (محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۴: ۴۰۹).

### ۳-۳) بازار انگاری جهان

از انگاره‌های اصیل قرآن که تأثیر شگرفی در سبک زندگی آدمی دارد این است که در ایماژ قرآنی دنیا بازاری است که عده‌ای استفاده کرده‌اند و به سودهای کلان و فوق نجومی دست می‌یابند: يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ؛ امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد (فاطر ۲۹) اینها کسانی هستند که در سوره صف به اینها وعده داده شد «هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُجْبِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؛ آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند. عده‌ای هم ضرر کرده‌اند همان‌هایی هستند که فَمَا رِبْحَتْ تِجَارَتُهُمْ؛ و تجارتشان سودی به بار نیاورد. حضرت امام علی‌النقی علیه‌السلام در حدیثی نورانی فرمودند: الدُّنْيَا سُوْقٌ رِبِحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرٌ آخَرُونَ (ابن شعبه حرانی، ۴۸۱) دنیا بازاری است که گروهی در آن سود می‌برند و دیگران زیان می‌بینند. امام سجاد (ع) درباره این مطلب نیز فرمودند: الدُّنْيَا سُوْقُ الْآخِرَةِ وَ النَّفْسُ تَاجِرَةٌ وَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ رَأْسُ الْمَالِ وَ الْمَكْسَبُ الْجَنَّةُ وَ الْخُسْرَانُ النَّارُ (دیلمی، ۴۹: ۱).

### ۳-۴) اصل انگاری جهان آخرت

در انگاره‌های قرآنی همان‌طور که دنیا محل گذر و پل است ایستگاه و توقفگاه نهائی جهان آخرت است؛ سرّ این که آخرت، دارالقرار است: إِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (غافر: ۳۹ و عنکبوت: ۶۴) آن است که انسان در دنیا چون به مقصد نرسیده و در بین راه است، آرامش ندارد، ولی وقتی به بهشت رسید می‌آرمد؛ چون حرکت، به مقصد و متحرک به هدف رسیده است. البته ثابت می‌شود نه ساکن؛ یعنی (دارالحرکه) به (دارالسکون) منتهی نمی‌شود، زیرا سکون، هدف حرکت نیست بلکه به (دارالثبات) می‌رسد و ثبات، هدف حرکت است. هیچ حرکتی به سوی سکون نمی‌رود مگر این که سکونش نسبی باشد و گر نه متحرک می‌کوشد تا به دارالقرار و دارالثبات برسد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۵۴).

### ۳-۵) امتحان انگاری رویدادهای زندگی

بر اساس آموزه‌های قرآنی تمامی رویدادهای تلخ و شیرین در دنیا آزمایش و امتحان الهی (لِیَبْلُوَكُمْ احسن عملاً ملک/۲) (أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ. عنکبوت/۲) (عنکبوت: ۲ و انسان: ۲ و توبه: ۱۲۶) است. و سنت ابتلا و امتحان از سنت‌های جاری حتمی و قطعی استثناناپذیر عالم هستی است (بقره/۱۲۴) و (نمل/۴۰) و (طه/۴۰) و (کلینی، ۱۳۶۸، ۱۵۱: ۱) و (جوادی آملی، ۱۰۷: ۱۳۸۱)؛ چراکه بدون ابتلا و امتحان نه جایگاه و مرتبه آدمیان مشخص می‌شود و نه امکان تفکیک و تمایز آن‌ها مشخص می‌گردد؛ و نه زمینه ظهور ملکات و باطن افراد فراهم می‌شود (دلشاد تهرانی، ۳۲۱: ۱۳۸۵) و ازه ابتلا، فتنه، تمحیص (آل عمران/۱۴۱) از واژگان قرآنی است که ناظر بر این انگاره قرآنی در سبک زندگی است (عنکبوت/۲) (طباطبائی، ۱۳۶۴، ۴۷: ۷) (مطهری، ۸۶: ۱۳۷۷) بیماری، مرگ، نقص در اموال و اولاد (بقره/۱۵۵ و انعام/۱۶۵)، مصائب طبیعی (احزاب/۱۱) و غیر طبیعی (میرباقری، ۸۲: ۱۳۷۸) جنگ و جهاد (توبه/۱۲۶) (مجلسی، ۱۳۶۲، ۱۸: ۶۷) داورى در اختلافات مردم (توبه/۱۲۴) دنیا و زینت‌های آن (آل عمران/۱۸۶) همچنین عقل، مقام و رتبه، زن و فرزند همگی ابزار آزمایش و امتحان بشر هستند. ناظر بر این اصل در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: مَا مِنْ قَبْضٍ وَ لَا بَسْطٍ وَ لَهُ فِيهِ مَشِيَّةٌ وَ قَضَاءٌ وَ ابْتِلَاءٌ (کلینی، ۱۳۸۶، ۵۲: ۱)



امیرالمومنین (ع) نیز در نهج البلاغه با بیانی شیوا به این انگاره قرآنی تصریح فرموده است (دستی، ۱۶۹: ۱۳۸۰). ترفیح درجات؛ تربیت، غفلت زدائی، کمالات معنوی، توبه و طهیر از گناهان و... از مهم‌ترین آثار و برکات آزمایش‌های الهی در زندگی دانسته شده است (مطهری، ۳۳: ۱۳۷۷. پسندیده، ۲۸۳: ۱۳۸۶ و باقری، ۹۰: ۱۳۸۸).

### ۳-۶) نردبان انگاری دنیا

از دیگر انگاره‌های شخصیت‌ساز قرآنی در موضوع سبک زندگی هویت ابزاری دنیا است (آل عمران: ۱۴) زن و فرزند، طلا و جواهرات، دارائی‌های آدمی (کهف: ۴۶) ابزاری هستند تا آدمی بر گیرد و غایت برتری را محقق کند. در شماری از آیات قرآن اشاره شده است که متاع دنیا چیزی جز یک متاع فریب نیست (آل عمران: ۱۸۵). متاع اسم تمام چیزهایی است که انسان از آن سود می‌برد (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۱۴۲: ۲) متاعٌ قليل یعنی برخوردارای از آن اندک است و زود منقطع می‌شود (کاشفی، ۴۰۳: ۱۳۶۹). مجموع مطالب قرآنی در مورد دنیا انگاره نگاه آلی بجای نگاه غائی در ذهن مخاطب قوی می‌گردد.

### ۳-۷) عاجل و آفل انگاری دنیا

از دیگر انگاره‌های مرتبط با بی‌ارزشی و ناچیز بودن دنیا تعبیری؛ مانند دنیا متاع زودگذر و متاع اندک است؛ که منظور از این تعبیر همان لذت‌های آنی و ناپایدار دنیا در برابر آخرت است؛ قرآن کریم در خصوص انگاره زودگذر بودن دنیا می‌فرماید: وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِثُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ (روم: ۵۵)؛ وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ... (یونس: ۴۵). اینچنین است خداوند حیات دنیا را عاجل معرفی می‌کند (اسراء: ۱۸. طه: ۱۰۳ و انسان: ۲۷) مراد از این انگاره نیز انکارناپذیری فنای دنیا و ایجاد انگیزه آخرت‌طلبی در سبک زندگی است (طباطبائی، ۱۴۲۷، ج ۲۷۵: ۱) (طبرسی، ۱۴۱۳، ج ۳۱۹: ۴).

### ۳-۸) عارضی انگاری دنیا

از دیگر انگاره‌های دنیاشناختی قرآن که حکایت از بی‌ثباتی و بی‌وفائی و غیر قابل اعتماد بودن دنیاست عارضی انگاری دنیاست. به این معنا که تنها ویژگی‌های ثابت دنیا ثبات‌ناپذیری آن است. احوال دنیا مدام در حال تغییر است و هیچ حالت ثابتی جر بی-ثباتی در دنیا وجود ندارد. تعبیر قرآنی دال بر این انگاره در قرآن کریم (عرض) است. تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَعَايِمٌ كَثِيرَةٌ (نساء: ۹۴) به بیان مفسران این تعبیر تمامی حقیقت دنیا را بیان می‌کند یعنی عارضی بودن و تحولات دائمی تمام حقیقت دنیا در مقابل جوهر بودن حقیقتی والاتر از آن (نسائی، ۱۴۱۰، ج ۳۹۸: ۱).

### ۳-۹) نعمت انگاری نعمت‌ها و نعمت انگاری نعمت‌ها

از دیگر انگاره‌های قرآنی در خصوص رویدادهای زندگی است که نوعاً انسان‌ها متأثر از بی‌حکمتی و سطحی‌نگری معیار ارزش‌داوریشان بر اساس لذت‌های آنی و خوشی‌های معطوف به حال هست (بقره: ۲۱۶) معلوم شد طبق انگاره‌های قرآنی حقیقت ما را همان جان و فطرت تأمین می‌کند و بدن و منافع مادی، ابزاری بیش نیست (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۲۵۷). بر همین مبنا اینکه رویدادی نعمت حقیقی است یا نعمت حقیقی باید بر اساس رابطه آن‌ها با جان و ایمان قضاوت کرد. همیشه این گونه نیست که کسانی که غرق در نعمت اند و دیگران به آن‌ها غبطه می‌خورند حقیقتاً هم نعمت باشند، بلکه در مواردی همین نعمت‌ها عاملی برای امتحان، سقوط، انحراف و افزایش عذاب افراد خواهد بود. چنانچه خداوند در دو آیه ۵۵ و ۸۵ سوره توبه می‌فرماید: فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ؛ چنان که می‌فرماید: فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم اگیواب كل شيء حتى اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون (انعام/۴۴). در این خصوص امام علی (ع) می‌فرماید اگر با وجود گناه غرق در نعمتی بدان گرفتار استدراجی (آمدی،: ۷۸۴۹: ۱۴۱۰).

## ۴) انگاره‌های هستی‌شناختی

### ۴-۱) آیه انگاری پدیده‌های هستی

از دیگر انگاره‌های قرآنی که دارای آثار فراوانی در سبک زندگی دینی به‌ویژه در حفظ و حراست و احترام به محیط زیست دارد؛ این است که پدیده‌های هستی را آینه‌ای تمام قامت بینگاریم که جلوه‌گر صفات و اسماء حسنا‌ی الهی‌اند؛ (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۶۹۵). مطابق انگاره‌های قرآنی، جهان آفرینش مجموعه‌ای از نشانه‌ها و شگفتی‌های خداست که وقتی این شگفتی‌ها و آیات خدا را می‌نگریم عظمت خدا را در جهان احساس کرده و غیر او را حقیر و کوچک می‌شماریم. امروزه با پیشرفت علوم طبیعی و کشف اسرار و شگفتی‌های جهان طبیعت و ریزه‌کاری‌های ساختمان وجود انسان و حیوان و گیاه و ساختمان حیرت‌انگیز یک سلول و یک اتم و نظام شگفت‌انگیز عالم ستارگان، درهای خداشناسی به روی ما گشوده شده است، بطوری که به جرات می‌توان گفت تمام کتاب‌های علوم طبیعی کتاب‌های توحید و خداشناسی است که به ما درس عظمت پروردگار را می‌دهند؛ زیرا این کتاب‌ها، پرده از روی نظام جالب موجودات این جهان بر می‌دارد و نشان‌دهنده عظمت علم و قدرت آفریدگار این جهان است... زیبایی‌های جهان (خرقانی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵)، زمین، ابر، باران و تگرگ، کوه‌ها (نبأ، آیه ۷)، ماه و خورشید (یونس ۵، ابراهیم ۳۳، یس ۳۸، تکویر ۱، لقمان ۲۹)، نقش برق در بارندگی و رشد گیاه (روم ۲۴)، آتش (یس ۸۰، واقعه ۷۱)، اختلافات شب و روز (بقره، آیه ۱۶۴ و آل عمران، آیه ۱۹۰، جاثیه، آیه ۵)، خاک (ملک ۱۵، نوح ۱۹، نمل ۶۱ ذاریات ۵۵، یوسف ۱۲، قمر ۵، حج ۲۵، مرسلات ۱۰، زخرف ۳۹، فصلت ۲۴، یونس ۶۱ بقره ۵۳، طه ۲۰، اعراف ۹۹، زلزله ۴، اسراء ۴۴)، حرکات عمومی (نازعات ۳، یس ۳۹، رعد، ۲)، کرات (شوری، ۲۹)، زوجیت گیاهان (لقمان، ۱۰)، زوجیت موجودات (طه ۵۳)، باران (ق ۹، روم ۲۴)، نیروهای فیزیکی و متافیزیکی (حدید ۲۵)، تفاوت زبان‌ها (روم، ۲۲)، آسمان، (غاشیه، ۱۸ و رعد، ۲)، باغ (رعد ۳ و ۴)، باد (بقره، آیه ۱۶۴)، طبیعت (ص: ۱۶ و انعام ۹۵)، انرژی، رنگها (بقره ۶۹ و نحل ۱۳ و فاطر ۲۷ و زمر ۲۱)، کهکشانها (یونس ۵) و (فرقان ۱۶)، گردش خورشید، ماه، زمین و سیارگان در مدارهای مشخص (یس/۴۰-۳۸)، (انبیاء/۳۳) و (تکویر/۱۶-۱۵)، پیش‌بینی مسافرت به فضا و عبور از جو (رحمن/۳۳) و (انعام/۱۲۵)، سقوط سنگ‌های آسمانی (رحمن/۳۵)، شهابها (جن/۸)، فقدان اکسیژن و هوا در ارتفاعات بالای جو (انعام/۱۲۵) تسخیر کره ماه و احتمالاً خورشید (ابراهیم/۳۳)، مطالبی در مورد سیاره ی زهره طارق ۳-۱ و...، آب (نحل ۱۱ و انعام ۹۹ و طه ۵۴ و فصلت ۳۹، نحل ۶۵ روم ۲۴)، تنها گوشه‌ای از خلقت الهی و قدرت و تدبیر خدا در پیش روی ما هستند که در قرآن کریم بدانها اشاره شده است؛ در قرآن کریم حدود ۷۵۰ آیه در زمینه خداشناسی از راه علوم طبیعی آمده است که پدیده‌های طبیعی به عنوان نشانه‌های خداوند یاد می‌کند و بندگان را به تفکر در آن‌ها دعوت می‌کند؛ (مکارم شیرازی، همان، ج ۳: ۲۱۳؛ و طباطبایی، همان، ج: ۴۰۵ و طبرسی، همان، ج ۶: ۱۷۶).

### ۴-۲) شعورمندانگاری پدیده‌های هستی

یکی دیگر از انگاره‌های قرآنی که تأثیر بسیاری در مسیر هدایت انسان به سوی کمال دارد، شعور داشتن همه موجودات است. اصل مسئله شعورمندی سراسری موجودات، از انگاره‌های مسلم قرآنی است. در این انگاره ما دو دسته آیات داریم: دسته‌ای از آیات قرآن گواهی همگانی موجودات در روز قیامت را مطرح کرده‌اند (نور: ۲۴. یس: ۶۵ فصلت: ۲۲-۲۰) و دسته دیگر آیات ناظر بر تسبیح و تحمید کلیه موجودات در همین دنیا (رعد: ۱۳، اسراء: ۴۴، حشر: ۱، صف: ۱، حدید: ۱، نور: ۴۱ و...) (طباطبائی، همان، ج ۱: ۳۲) (ملا صدرا شیرازی، ۱۴: ۱۳۸۳).

### ۴-۳) پایا انگاری حق و پندار انگاری باطل

از دیگر انگاره‌های بنیادین اثر پایدار در قاموس دینی، به اثری گفته می‌شود که بتواند در تئوری دین راجع به تاریخ جهان، پایا باشد. در این تئوری: پایان جهان با متقین است (قصص: ۸۳) حق همواره زنده می‌ماند حتی اگر پیروانش اندک باشند (نور: ۲۵) باطل همواره نابود می‌شود حتی اگر پیروانش زیاد و قدرت و ثروت مادی آن فراوان باشد انبیاء: ۱۸، انفال: ۶۵؛ توبه: ۲۵؛ مائده: ۱۰۰. اراده حق به بار می‌نشیند) و اراده‌های معطوف به باطل به اهداف نهایی خود نمی‌رسند یونس: ۱۰۳؛ سبأ: ۴۹؛ انفال: ۸. با آنکه تاریخ، شواهد بیشماری از نگاه تاریخی دین به حق و باطل را نشان می‌دهد، اما فریفتگی بشر به اقتدار موهوم باطل

همچنان تکرار می‌شود. سرّ این مطلب را قرآن کریم تشنگی و فقر نفسانی انسان می‌داند (نور: ۳۹). از نظر وجود شناختی قرآنی، باطل، باطل است اما بیننده آن را حق می‌پندارد، بنابراین، منشأ مشکل، پندار آدمی است.

#### ۴-۴) کنشگر انگاری همه پدیده‌های گیتی

از انگاره‌های قویم و پر تکرار قرآنی کارگزار انگاری همه پدیده‌ها است. هیچ پدیده‌ای در جهان عاقل نیست و همه مجرای فیض الهی و در حکم سربازی از سربازهای بی پایان الهی‌اند؛ (وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ دُخَان/ ۳۸) (یس/ ۲۸ و فتح/ ۴) به تعبیر پروین اعتصامی: نقش هستی، نقشی از ایوان ماست خاک و باد و آب، سرگردان ماست، قطره‌ای کز جویباری می‌رود، از پی انجام کاری (پروین اعتصامی، ۱۳۹: ۱۳۸۵) خداوند در آیه ۳۱ سوره مدثر، نیز از بی‌شماری لشکریان و کارگزاران خود سخن به میان می‌آورد و توضیح می‌دهد که علم به شمارگان آنان تنها مخصوص خود اوست و مردمان هیچ علم و آگاهی از شمار و تعداد آنان ندارند. از این آیه و آیات دیگر می‌توان استفاده کرد که این سپاه و لشکر الهی که به خدا اضافه و نسبت داده شده است، چیزی جز تمامی علل و اسباب در عالم وجود نیست که تحت فرمان و امر خداوندی می‌باشند (مفردات، راغب اصفهانی، ۲۰۷ ذیل واژه جُند و علامه طباطبایی، همان: ۲۶۲).

#### ۴-۵) بازتاب اعمال انگاری خوبی‌ها و بدی‌ها

در آموزه‌های دینی گفته شده که حرکت جوامع انسانی همانند عالم طبیعت بر اساس یک سلسله قوانین و سنت‌های لایتنیر صورت می‌گیرد. بازتاب و عکس‌العمل کار انسان بعضی در دنیاست و بعضی در آخرت. اثر این عمل گاهی به خود، گاهی به خانواده و حتی به نسل آینده باز می‌گردد؛ بنابراین فهم و شناخت این مسئله در اصلاح عملکرد آدمی تأثیر خواهد گذاشت. در این اثر با روش تحلیل و تبیین آیات و با استفاده از کتاب‌های تفسیری رابطه بین عمل و عکس‌العمل بیان شده است تا با افزایش آگاهی خود و دیگران در این زمینه، در مورد هر کاری که نیت انجام آن را داریم، فکر کرده و عاقبت عمل خود را پیش‌بینی کنیم تا در این جهان و سرای پس از آن سرفراز باشیم. با شفاف شدن این انگاره که عمل انسان به‌طور قطع عکس-عملی دارد؛ پس برای این که هم خود و هم نسلش از بازتاب بدی‌ها در امان باشند باید به تقویت ایمان و تقوای خود بپردازد و آگاهی از این سنت الهی که هر عملی عکس‌العملی دارد و انسان ناگزیر این عکس‌العمل را درک می‌کند (جائیه ۱۴؛ أعمران؛ ۱۵۴، نساء: ۱۱۱، یونس: ۱۰۸، نمل: ۴۰، عنکبوت: ۶، فاطر: ۱۸، محمد: ۳۸، اسراء: ۷، بقره: ۹، بقره: ۲۷۲، اعراف: ۲۳، آل عمران: ۶۹، اعراف: ۵۳، رعد: ۱۱).

#### ۴-۶) ابزار انگاری تعلقات دنیوی

در انگاره‌های قرآنی تعلقات زندگی حکم ابزار را برای رسیدن به غایات زندگی دارند. علی‌رغم آنچه در سبک زندگی مدرن جا افتاده است در سبک زندگی دینی وسایل زندگی آلت و ابزار اند و بس؛ غایت زندگی اتصاف به صفات و کمالات الهی شدن است؛ و لوازم زندگی برای تسهیل و تسریع رسیدن به این هدف است. نباید جای غایت و آلت عوض شود و آلت را غایت نگاشت. خداوند متعال در قرآن با تعبیر (متاع) یعنی هر چیزی که از آن تمتع و بهره ببرند، این انگاره را نهادینه می‌کند: أَجَلٌ لَّكُمْ صَيِّدُ الْبَحْرِ وَ طَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَ لِّلسَّيَّارَةِ وَ حَرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيِّدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (مائده ۹۶) یا در سوره ذاریات آیه ۳۳ می‌فرماید: مَتَاعًا لَّكُمْ وَ لِّلْأَنْعَامِكُمْ. تا (از آن آب و گیاه که از بیابان و کوه برانگیزد) قوت شما و چهارپایانتان برآید. همچنین در سوره آل عمران آیه ۱۴ می‌فرماید: زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرِّثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْمَأَبِ. همچنین در این خصوص فرمود: (وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ) (رعد ۲۶) (علامه طباطبائی، همان، ج ۳: ۵۰۳: ۲) در همین مورد قرآن کریم متاع دنیا را به عرض نیز وصف نموده است و اشاره به این حقیقت دارد که متاع دنیا به سرعت رو به زوال است و دل بستن به آن گرفتن دستگیرهای است که خود به جایی بند نیست (علامه طباطبائی، همان، ج ۲: ۵۰۳) قرآن متاع دنیا را زینت می‌نامد تا اشاره به این حقیقت داشته باشد که آنچه شما در پی آن زندگی خود را تباه می‌کنید تنها ظاهرش آراسته است و آنگونه که می‌پندارید خواستی نیست.

## ۷-۴) فریب انگاری دنیا

قرآن در انگاره دیگری دنیا را کالایی فریبنده می‌داند: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (آل عمران ۱۸۵) زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست. غرور به معنای فریب دادن است. رساترین انگاره‌ای که قرآن از دنیا نموده غرور انگاری دنیاست؛ متاع غرور کالایی است که موجب فریب انسان می‌شود. قرآن کریم دنیا را متاع فریب نامیده و تا بفهماند پرداختن به ظواهر دنیا دست دادن با شیطان و دل دادن نیرنگ اوست و عاقبتش غفلت از آخرت و محروم ماندن رحمت خداست (طباطبائی، همان، ج ۳: ۵۰۳، ۲).

## ۵) انگاره‌های روانشناختی

### ۱-۵) منحصر انگاری آرامش در ارتباط با خدا

در انگاره قرآنی، رابطه عاطفی با خداوند تنها راه آرامش است. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (یونس ۶۲). آرامش حالتی روحی است که نتیجه آن تعامل صحیح با مسائل است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹۸: ۱). کسانی که با خدا رابطه عاطفی دارند، غم و غصه و دلهره و اضطراب و نگرانی ندارند (فقیهی، ۲۲۹: ۱۳۸۹) دنیای امروز مملو از غم، غصه، اضطراب، نگرانی و اختلاف بین افراد خانواده و اجتماع است و متأسفانه این نگرانی‌ها و دغدغه‌ها افراد را وادار به گناه کرده است. برای رفع نگرانی و دستیابی به آرامش موقت و زودگذر، به مواد مخدر و مسکرات مبتلا شده‌اند. سایرین نیز مجبورند زندگی توأم با اضطراب خاطر و نگرانی و دلهره را تحمل کنند و بسوزند تا از دنیا بروند. آدمیان راه را گم کرده‌اند و دچار نگرانی روی نگرانی شده‌اند و پناه‌گاه مطمئنی در دنیا ندارند (جیمز، ۲۲۰: ۱۳۵۶). نمی‌فهمند که تنها پناه‌گاه انسان، خداوند است و یاد او آرام‌بخش دل‌های نگران و مضطرب است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد ۲۸) دیندار واقعی دلهره و اضطراب و نگرانی و افسردگی ندارد؛ چون می‌داند خداوند دست او را می‌گیرد و در بن بست‌ها او را نجات می‌بخشد. «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (روم ۴۷) «وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء ۸۸) از آیات دیگری که این انگاره را تقویت می‌کند آیه ۱۲۴ سوره مبارکه طه است که می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا. مفسران در تفسیر معیشت ضنک اشاره کرده‌اند که: درهای زندگی به روی انسان به کلی بسته می‌شود و دست به هر کاری میزند با درهای بسته روبه رو می‌گردد و گاهی به عکس به هر جا روی می‌آورد خود را در برابر درهای گشوده میبیند، مقدمات هر کار فراهم است و بنیست و گرهی در برابر او نیست، از این حال تعبیر به وسعت زندگی و یا به ضیق یا تنگی معیشت تعبیر می‌شود (مکارم شیرازی، همان، ج ۱۳: ۳۲۷).

### ۲-۵) مؤثر انگاری تغذیه آدمی بر تربیت

از کاربردی‌ترین انگاره‌های قرآنی در سبک زندگی تأکید بر رابطه با غذای پاکیزه و اثرات آن‌ها بر روی خلق و خوی انسان است؛ حدود ۲۵۰ آیه قرآنی خداوند متعال بین تغذیه کافران و مؤمنان تفاوت قائل شده (کامرانی، ۱۳۹۱: ۴۰). مؤمنان که به تأثیر اخلاقی و معنوی غذا توجه دارند، مقید به رعایت غذای پاکیزه و حلال هستند (عباس نژاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۳). در آیه ۱۷۲ سوره مبارکه بقره آمده: «يا ايها الذين آمنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم؛ و در برخی می‌فرماید: «كلوا من الطيبات و اعملوا صالحا؛ همچنان که سخن پاکیزه، عمل صالح را به آسمان عروج می‌دهد، غذای پاکیزه نیز انسان را در جهت کسب کمالات معنوی و حفظ ارزش‌های اخلاقی یاری می‌بخشد و به مانند باران پاکیزه موجب رویش سبزه‌ها و گل‌های معطر در وجود آدمی می‌شود (آخوندی، ۱۳۸۸: ۲۷).

### ۳-۵) مثبت انگاری رویدادها

در انگاره‌های قرآنی نشاط فردی و اجتماعی مطلوب و مورد تأکید است؛ و با انگاره‌های استرس ساز و افسردگی آور به شدت مقابله شده است (آل عمران ۱۳۹) تا آنجا که قلب مؤمن لبریز از احساس شادی و امید و خوش‌بینی است (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۳: ۳۸۸) مثبت‌اندیشی نحوه تفکر خوشبینانه و امیدوارانه به زندگی است که در آن انسان به جنبه‌های خوشایند و روشن زندگی خود توجه کافی می‌کند و از پرداختن به یأس و احساسات نابجا و مخرب دوری می‌جوید؛ و آن را ویژگی‌های کفار و مخالفان انبیاء می‌داند؛ (اعراف ۱۳۱، یس ۱۸ و نمل ۴۷) توجه به جنبه‌های مثبت زندگی، تفسیر عقلانی و منطقی رویدادها و انتظار مثبت از

آینده، شکل دهنده‌ی مفهوم خوش‌بینی بوده و به عنوان راهکارهایی در جهت زدودن افکار منفی و رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب اعم از آرامش، تعامل خوب، موفقیت و شادکامی و غیره مطرح است (سیگل من و همکاران ۱۳۸۳: ۷۸). توصیفاتی که برای خداوند آمده خیر مطلق بودن، حکیم و خبیر بودن (انعام ۱۸) و اینکه عزت و ذلت دست خداوند است (آل عمران ۲۶) و هیچ کس جز خدا یارای خیر رسانی ندارد (یونس ۵۸) مقوم مثبت اندیشی است.

#### ۴-۵) طیب انگاری قناعت

از انگاره‌های هنجار ساز قرآنی در موضوع سبک زندگی نیکو و پاکیزه انگاری قناعت است؛ در آیه ۹۷ سوره نحل آمده است: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. با وجود اختلاف نظرهایی در مورد ماهیت حیات طیبیه (قرطبی، ۱۳۶۴، ۱۷۴؛ ۱۰ و طبرسی، ۱۹۸؛ و مکارم ۱۳۷۴، ۳۹۴: ۱۱) تفسیر حیات طیبیه به قناعت به معنای بسنده کردن به مقدار کم‌وبیش تر را طلب نکردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ذیل واژه قناعت و معین، ۱۳۸۰: ۷۶۹ و نراقی، ۱۰۷: ۱۳۷۷) از رایج‌ترین تفاسیر در معنای حیات طیبیه است (فیض کاشانی ۱۴۱۵، ۳: ۱۵۴ و ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۸۹: ۱۲ و سیوطی ۱۴۰۴، ۱۳۰: ۲۴ و زمخشری، ۱۴۰۷، ۶۳۳: ۲ و طباطبائی، ۱۳۶۰، ۳۴۳: ۱۲). بر وفق این انگاره علیرغم تصور اولیه گوارائی و خشنودی و احساس رضایت از زندگی در کم‌مصرفی و اجتناب از انباشتگی و مراجعه کمتر به بازار است. امروزه نیز در کشورهای دنیا جنبش‌های طرفداران سبک زندگی مینی مالیستی (کمینه گرائی) به راه افتاده، و بر این باورند رهائی از نگرانی، افسردگی و اضطراب و ایجاد تغییرات مثبت در زندگی در گرو اکتفا به ضروری‌ترین و ساده‌ترین لوازم در زندگی است (تلفورد، ۱۵: ۱۴۰۰)

#### ۵-۵) همگون انگاری سبک زندگی دینی با فطرت آدمی

مطابق انگاره‌های قرآنی سبک زندگی دینی مطابق با فطرت ماست (روم/۳۰ و شمس/۸) از این رو هر انسانی که بر اساس دین زندگی می‌کند مورد تأیید فطرتش قرار می‌گیرد، از همین رو اولین نتیجه سبک زندگی دینی آرامش روانی است. چراکه دین دارای منشأ الهی است و خداوند نیز خالق فطرت انسان‌ها نیز هست (ق/۱۶) و هر کس بدانچه غیر فطرت است اشتغال یابد دچار سرگردانی و حیرت و نا آرامی و بی‌قراری می‌گردد (زخرف/۳۶) حق طلبی، مطلق خواهی، زیبایی دوستی از خصائص فطری انسان است.

#### ۶) انگاره‌های معرفت‌شناختی

##### ۱-۶) همپا انگاری تغذیه بر معرفت

در انگاره‌های قرآنی مال حرام تأثیر فراوانی بر تمام ابعاد زندگانی بشر اعم از جنبه‌های جسمانی و روانی و از مهم‌ترین موانع خیر و سعادت زندگی سالم و حیات طیبیه امت و ریشه‌های اصلی هلاکت و نابودی مردم و از هم گسستگی جامعه اسلامی به شمار می‌رود؛ اثربخشی پایدار این عامل به قدری زیاد است که خداوند در سوره عبس آیه ۲۴ می‌فرماید: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ، (اکل السُّحْتِ) به معنای مطلق هرگونه مال حرام در کتاب‌های آیات الاحکام و کتب فقهی مفصلاً تبیین شده است. کم‌فروشی، تحصیل درآمد از راه‌های ناصواب، ربا، رشوه، احتکار، خوردن مال یتیم؛ سرقت ازاهم ذکر مصادیق این واژه در قرآن هستند. خلاصه آنکه آثار مال حرام بر شخصیت و زندگانی انسان از انگاره‌های قویم قرآنی است. آیاتی همچون آیه ۲۹ سوره نساء که می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا؛ و آیه ۵ سوره مائده: سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسُّخْتِ فَاِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ و همچنین آیه ۱۳۰ سوره مبارکه آل عمران آمده: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. از شواهدی هستند که در کنار هم این انگاره را می‌آفرینند.

##### ۲-۶) هم‌پا انگاری رفتار و معرفت

قرآن با بینش خاص خود در فرایند کسب معرفت دینی فراتر از عوامل شناختی برای عوامل غیرشناختی نیز نقش قائل است

مسئله شناخت و هدایت که در قرآن کریم بارها مورد توجه قرار می‌گیرد هر دو نوع دارای نقش هستند. عوامل شناختی مانند فکر و علم و عوامل غیرشناختی مانند ستم کاری (ظلم) و فساد اخلاقی که در آیات الهی مورد اهتمام است. دل‌مشغولی اولیه قرآن کریم معطوف به نیاز معرفتی است و در این رابطه توجه به نقش عناصر غیرمعرفتی نیز قابل ملاحظه است؛ یعنی در سیر خروج از جهل و نیل به شناخت، عوامل غیرمعرفتی نیز دارای نقش مؤثر است و این گونه نیست که انسان صرفاً با تحصیل عناصر شناختی و رعایت ضوابط و شروط فکر و علم به معرفت راجع به مبدأ و معاد دست یابد. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ (جمعه ۲): همین نکته در سوره بقره: رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ (بقره ۱۲۹) قرآن کریم میان عبادت و یقین که بالاترین درجه از شناخت محسوب می‌شود پیوند می‌نهد: «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ؛ (حجر ۹۹) و لذا توصیه می‌نماید که به منظور نیل به یقین طریق عبادت پیشه نمایند. در قرآن کریم بیان می‌شود هدف خلقت انسان عبادت است: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ من جن و انس را نیافریدم جز اینکه عبادتم کنند (ذاریات ۵۶؛ آل عمران / ۸۶؛ مائده / ۵۱)، توبه آیه ۸۷ و یونس آیه ۷۴) قرآن کریم یادآوری می‌نماید بر قلب‌های متکبران و پیروان هوای نفس مهر و قفل خواهد زد و به این وسیله مانع از درک حقایق راجع به جهان خواهد شد (جاثیه ۲۳) به کارگیری مفاهیمی چون کری و کوری و مهرزدن بر قلوب ناشی از رفتار سوء، بیانگر چنین واقعیتی است (بقره ۱۵۱).

### نتیجه

با توجه به اهمیت نقش، انگاره، تصویر ذهنی یا ایماژ به عنوان یکی از قدرتمندترین منابع در رفتارسازی سخن گفتن از انگاره‌های قرآنی از پژوهش‌هایی بود که جای خالی آن در حوزه مطالعات مربوط به سبک زندگی قرآنی بسیار نمود می‌کرد. لذا بر آن شدیم تا در نگارشی جداگانه انگاره‌های قرآنی حاکم بر سبک زندگی دینی را احصاء و صورت‌بندی جدیدی از آن‌ها ارائه دهیم؛ تا از این رهگذر هم از باب انگاره‌درمانی در جهت تقویت حس نشاط و رضایت از زندگی و هم در مقام آموزش سبک زندگی دینی قدمی ولو ناچیز برداشته باشیم. مطابق آنچه در این نگارش آمد انگاره‌های حاکم بر سبک زندگی دینی را می‌توان به انگاره‌های انسان‌شناختی، هستی‌شناختی، جهان‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و معرفت‌شناختی تقسیم کرد. حرمت و شرافت ذاتی انسان حس خودارزشمندانگاری و عزت نفس و خودکارآمدی و با خود مهربانی و حس اعتماد به نفس را در انسان تقویت می‌کند که نقش پیشگیرانه‌ای در افسردگی و ناامیدی دارد. مسافرانگاری خویشتن و پل‌انگاری دنیا و ابزارانگاری تعلقات مادی در دنیا و همچنین غایت‌انگاری آخرت موجب می‌شود که به تعبیر قرآن بر آنچه از دست انسان رفته اندوهگین نشود و به [سبب] آنچه به او داده است شادمانی نکند؛ و مثبت‌انگاری و خوش‌انگاری آینده زندگی و جهان از دیگر انگاره‌های است که در بعد روان‌شناسی، قرآن کریم به مخاطبان خود القاء می‌فرماید؛ و تأکید می‌کند که اعراض از یاد حق آدمی اضطراب و دلهره به جان آدمی می‌اندازد و آرامش را از زندگی او سلب می‌کند؛ اما در انگارهای ناظر بر جامعه آدمی در فرهنگ قرآنی برابرنگاری جان آدمی با جان عالمی مواجه هستیم که اشاره می‌کند اگر یک نفس محترم را به قتل برسانی گویا جان همه عالم را گرفته‌ای و اگر یک نفر را نجات دهی گویا همه عالمیان را نجات داده‌ای. در همین زمینه به لاشخوری انگاری غیبت از افراد دیگر اشاره می‌کند تا ریشه یکی از مهم‌ترین عوامل کدورت و آشفتگی در جامعه را بخشکاند و همدلی و وحدت را در جامعه اسلامی بگستراند. درباره انگاره‌های معرفت‌شناسی نیز به انگاره همپانگاری عوامل غیر معرفتی بر معرفت و هم‌انگاری عوامل غیرمعرفتی نظیر تغذیه و رفتار بر تربیت اشاره شد که اگر آدمی شیفته معرفت حقیق و سعادت است باید به غذایش بنگرد. بنا براین در این اثر مجموعاً به سی و سه انگاره از مهم‌ترین انگاره‌های تأثیرگذار در سبک زندگی قرآنی اشاره شد که توجه و تثبیت این انگاره‌ها در ذهن و ضمیر آدمی به منزله مقدمه‌ای برای صدور رفتارهای فردی و اجتماعی است.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱- ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۵۳) رساله منطق دانشنامه علایی، به کوشش محمد معین و سید محمد مشکوه، تهران: دهخدا.
- ۲- امیدعلی، میثم و خلجی، محمد، (۱۳۹۳)، رسانه و حقوق شهروندی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول.
- ۳- الفت، سعیده؛ سالمی، آزاده، (۱۳۹۱)، مفهوم سبک زندگی، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال اول.
- ۴- آرنای، محمد؛ جزایری، سیدعباس (۱۳۹۹)، بررسی ارتباط سبک زندگی اسلامی - قرآنی با جرائم منافی عفت، هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی، ایران، تهران.
- ۵- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۸)، روانشناسی سیاسی، تهران: سمت.
- ۶- باقی نصرآبادی، علی، (۱۳۸۰)، سیری در اندیشه‌های اجتماعی شهید مطهری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.
- ۷- بهشتی، محمد، (۱۳۹۵)، گفتمان معرفت‌الذات و ریاضت در سبک زندگی اشرافی عرفانی، دوفصلنامه علمی تخصصی پژوهشنامه سبک زندگی، سال اول، شماره دوم.
- ۸- پسندیده، عباس، (۱۳۹۵) هنر رضایت از زندگی، قم، نشر معارف.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱) مفاتیح الحیات، قم: اسراء.
- ۱۰- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲) حیات حقیقی انسان در قرآن، قم: اسراء.
- ۱۱- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰) معرفت شناسی در قرآن، قم: اسراء.
- ۱۲- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۶) تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۷)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۱۴- جلودار، مصطفی؛ مؤمنی، سیدجواد (۱۳۹۹)، ارتباط سبک زندگی قرآنی با معیشت و اقتصاد خانواده، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، کرج.
- ۱۵- چینی، دیوید، (۱۳۷۸)، سبک زندگی، ترجمه: علیرضا چاوو، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۶- حسین پور، رضا؛ بلالی اسکویی، آریتا؛ کی نژاد، علی (۱۳۹۶)، تبیین سبک زندگی اسلامی راه کارهایی در جهت تداوم آن در جامعه ایران، مجله فرهنگ رضوی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- ۱۷- حاججانی، ابراهیم، (۱۳۸۶)، الگوی سبک زندگی ایرانیان، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- ۱۸- حسین زاده، علی، (۱۳۹۳) سبک زندگی: زمینه‌های پذیرش آداب، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام.
- ۱۹- حسن پور، مرتضی و دیگران، (۱۳۹۵) سبک زندگی قرآنی، مرکز قرآن و عترت سازمان بسیج دانشجویی، پائیز.
- ۲۰- خطیبی، حسین؛ ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۲)، مروری بر شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، ماهنامه. ۱۳-۲۵: ۳ شماره، ۲۲ سال، معرفت.
- ۲۱- داور پناه، محمد رضا، (۱۳۷۹)، فرهنگ جامع علوم تربیتی در زمینه‌های وابسته، مشهد، به نشر.
- ۲۲- داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۵)، دین و تجدد، مجله نامه فرهنگ، ش ۲۱، ص ۸۰-۸۷.
- ۲۳- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲، ق) ارشاد القلوب الی الصواب. قم الشریف الرضی.
- ۲۴- دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۵)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا.
- ۲۵- دیوان منوچهری دامغانی، (۱۳۷۰)، به کوشش محمود میر ساقی، تهران: زوار.
- ۲۶- رادمنش، عطامحمد؛ خراسانی، محبوبه؛ پهلوان شمسی، فاطمه، (۱۳۹۷)، سبک زندگی در تفسیر عرفانی.
- ۲۷- رجبزاد، محمدرضا؛ یحیی حاجی، امیرمهدی، طالب و رجب نژاد، سعید (۱۳۹۲)، بررسی نسبت سبک زندگی اسلامی از منظر حیات طیبه در قرآن، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، سال ۱، شماره ۱، ۲۱-۹.
- ۲۸- رضایی، مصطفی (۱۳۸۹)، «سبک‌های زندگی و چالش‌های هویتی: رد پای زیستن»، زمانه، کانون اندیشه جوان.

- ۲۹- سیف‌اللهی، سیف‌الله، (۱۳۷۴)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۳۰- سالاریفر، محمدرضا (۱۳۹۱)، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۳۱- سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۱)، هویت دینی و آموزه‌های چالش برانگیز معاصر، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- ۳۲- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱) همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)، تهران: نشر معارف.
- ۳۳- شیخ اعظمی، علی (۱۳۸۹)، سبک زندگی قرآنی، سومین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی، مدیریت و معارف اسلامی، تهران.
- ۳۴- شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۶)، آداب و سبک زندگی اسلامی، نشر معارف.
- ۳۵- شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۰)، همیشه بهار، اخلاق و سبک زندگی اسلامی.
- ۳۶- شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۵س)، بک زندگی اسلامی ایرانی، آفتاب توسعه.
- ۳۷- صداقت، محمدعارف، (۱۳۹۴)، سبک زندگی اسلامی در خانواده، موسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۳۸- صنعتکار، حسن، (۱۳۹۵)، سبک زندگی قرآنی (برای خانواده)، قانون مدار.
- ۳۹- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، میزان، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۴۰- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن.
- ۴۱- طوسی، نصیر الدین، (۱۳۶۱)، اساس الاقتباس، به تصحیح مدرس رضوی، دانشگاه تهران.
- ۴۲- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۹)، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- ۴۳- علیزاده، عبدالرحمان؛ فتحی نیا، محمد، (۱۳۸۶)، بازنمایی سبک زندگی طبقات اجتماعی در سریالهای خانوادگی تلویزیون، سنجش و پژوهش.
- ۴۴- غزالی، محمد ابن محمد، (۱۳۷۴)، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خویو جم، تهران: انتشارات علمی. فرهنگی.
- ۴۵- فضلان ام خالد و جوان ابراین، (۱۳۷۸)، اسلام و محیط زیست، ترجمه: اسماعیل حدادیان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۴۶- فارابی، ابونصر، (۱۹۹۶)، السیاسه المدینه، بیروت، مکتبه الهلال.
- ۴۷- فیض کاشانی، المحجبه البیضاء، انتشارات آستان قدس.
- ۴۸- فرانکل، ویکتور، (۱۳۷۵)، خدا در ناخودآگاه، ترجمه: ابراهیم یزدی، موسسه فرهنگی رسا.
- ۴۹- قراملکی، احد فرامرزی، (۱۳۹۴)، اخلاق سازمانی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
- ۵۰- قراملکی، احد فرامرزی، ناسخیان، علی اکبر، (۱۳۹۵)، قدرت انگاره، قم: نشر مجنون.
- ۵۱- کاویانی، محمد، (۱۳۹۴)، درسنامه سبک زندگی اسلامی (با رویکرد تجویزی)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۵۲- کاویانی، محمد، (۱۳۸۸)، تربیت اسلامی، گذر از اهداف کلی به اهداف رفتاری، مجله پژوهشهای میان رشته‌های قرآن کریم.
- ۵۳- کزازی، میر جلال الدین، (۱۳۸۷)، نامه باستان؛ ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی، تهران: سمت.
- ۵۴- کلینک، کریس لین، (۱۳۸۶)، مجموعه کامل مهارت‌های زندگی، مترجم شهرام محمد خانی، تهران: رسانه تخصصی.
- ۵۵- کشف الاسرار رشیدالدین میبیدی، فصلنامه عرفانیات در ادب فارسی، دوره ۹، شماره ۳۳.
- ۵۶- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، مکان چاپ: تهران: ناشر: دار الکتب الاسلامیه.
- ۵۷- مکارم شیرازی، پیام قرآن ج ۸ و سایر همکاران.
- ۵۸- مهدوی کنی، محمدسعید، (۱۳۹۱)، دین و سبک زندگی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- ۵۹- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، جامعه و تاریخ، تهران: انتشارات صدرا.
- ۶۰- مهدوی کنی، محمدحسین، (۱۳۸۷)، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۶۱- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، بیست گفتار، چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
- ۶۲- میرباقری، سیدحسن (۱۳۷۸)، سیمای انسان مختار در قرآن، تهران: انتشارات رایزن.



۶۳-نراقی، ملا احمد، (۱۳۸۷)، معراج السعاده، قائم آل محمد.

۶۴-همایون، هما دخت، (۱۳۷۹)، واژه نامه زبان شناسی و علوم وابسته، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

